

دانش آموز گرامی

سلام بر شما

کتاب دین و زندگی (۳) در ادامه کتاب‌های سال اول و دوم در اختیار شماست. در این کتاب نیز قدم‌های دیگری برای برنامه‌ریزی زندگی براساس دین برداشته می‌شود و راه‌های دیگری برای رسیدن به موفقیت‌های بالاتر پیشنهاد می‌گردد. این کتاب نیز به گونه‌ای نوشته شده است که در یادگیری آن، حضور فعال و پویا داشته باشید؛ توان فکری خود را به کار گیرید، احساس خویش را بیان کنید، خلاقیت‌های ادبی و هنری خود را نشان دهید و بالاخره، مطابق موقعیت و سلیقه خویش، برنامه‌ریزی کنید.

اکنون، بار دیگر نکاتی را که در سال گذشته توضیح داده‌ایم، یادآوری می‌کنیم:

۱- قسمت‌هایی از کتاب با مشارکت شما تکمیل می‌شود؛ این قسمت‌ها عبارت‌اند از:
- معنا کردن برخی از عبارات و آیات شریفه قرآن کریم؛ با این کار، احساس خواهید کرد که با اندکی تلاش می‌توان معنای آیات را فهمید و در آن‌ها تفکر و تدبیر کرد.

- در برخی از درس‌ها، عنوان‌های فرعی داخل درس را شما انتخاب می‌کنید.

- نتایج موردنظر در برخی درس‌ها، با فعالیت فردی یا گروهی شما در کلاس به دست می‌آید.

- بخش «اندیشه و تحقیق» در پایان هر درس با تفکر، تحقیق و مطالعه شما به انجام خواهد رسید.

۲- در پایان بیش‌تر درس‌ها، با عنوان «پیشنهاد»، فعالیت‌های تحقیقی، ادبی و هنری خواسته شده که با وجود اهمیت بسیاری که دارند، انجام دادن آن‌ها داوطلبانه است. با این حال، هر دانش‌آموزی که تعدادی از این پیشنهادها را انجام دهد، حداکثر تا دو نمره به نمره مستمر وی، هم در نوبت اول و هم در نوبت دوم، افزوده خواهد شد.

۳- خدای جمیل، خالق زیبایی‌ها؛ دین، سازنده انسان‌های زیبا؛ و هنر، وسیله بیان زیبایی‌هاست. کتابی که می‌خواهد شما نوجوانان عزیز را با زندگی دینی آشنا کند، نمی‌تواند «عاری از هنر» باشد. از این رو کوشش ما بر آن بوده است که با الهام از قرآن کریم، محتوای علمی کتاب را همراه با طراحی‌های ادبی و هنری عرضه کنیم. امیدواریم در آینده، این کتاب با پیشنهادهای شما زیباتر شود.

۴- آموزش این کتاب در فضایی فعال، پویا و بانشاط نیازمند حرمت نهادن به کلاس و صمیمیت متقابل شما و دبیر گرامی است؛ بنابراین:

- برنامه دبیر را برای هدایت کلاس کاملاً اجرا کنید.

- به اظهار نظرهای دوستان خود - در هر صورت - احترام بگذارید.

- نظرات دوستان خود را با تجزیه و تحلیل دقیق، ارزیابی کنید.

– بیش از اندازه تحت تأثیر چندنفری از دانش‌آموزان که احتمالاً بیش‌تر نظر می‌دهند، قرار نگیرید. شما هم با وارد شدن در گفت‌وگوها نشان دهید که در فکر کردن توانایی.

۵ – سعی کنید در زمان بخش نوار آیات درس، هر عبارت را با دقت گوش کنید سپس همراه با نوار به‌طور دسته‌جمعی بخوانید. این فعالیت بر توانایی شما در قرائت صحیح و زیبای قرآن می‌افزاید.

۶ – برای تقویت توانایی شما در قرائت قرآن کریم، دبیر محترم می‌تواند بخشی از قرآن را برای تمرین قرائت انتخاب کند. در این صورت، ارزش‌یابی مستمر و پایانی قرائت، علاوه بر آیات کتاب، از این بخش نیز به‌عمل خواهد آمد.

۷ – این درس عرصه حضور احساسات درونی و خلاقیت‌های فکری شماست؛ زیرا شما هستید که شهامت اندیشیدن و ابتکار دارید. ما نیز این نعمت الهی را ارج می‌نهیم و معتقدیم که میزان موفقیت شما در این درس، به میزان تفکر، اندیشه، ذوق و ابتکار شما بستگی دارد. این کتاب نیز اگر فرصتی برای اندیشیدن فراهم کند، موفق خواهد بود. در واقع، ما هرگز نخواستیم درس‌ها به‌گونه‌ای باشند که مطالب کتاب را با چند بار خواندن و حفظ کردن به خاطر بسپارید تا در امتحان موفق شوید. پس شما هم به امتحانی ارزش دهید که امکان فهمیدن، فکرکردن، تحقیق و اظهار نظر را برایتان فراهم می‌سازد. با توجه به آنچه گفته شد، ارزش‌یابی این درس در دو بخش انجام می‌گیرد:

بخش اول: ارزش‌یابی مستمر؛ شامل:

- ۱ – قرائت صحیح آیات شریفه؛ ۴ نمره
 - ۲ – توانایی معنا کردن عبارات و آیات قرآنی که در کتاب ترجمه نشده است؛ ۳ نمره
 - ۳ – انجام دادن فعالیت‌های داخل درس و پرسش از متن؛ ۵ نمره
 - ۴ – مشارکت در گفت‌وگوها و کار گروهی؛ ۳ نمره
 - ۵ – پاسخ به سؤال‌های بخش اندیشه و تحقیق؛ ۳ نمره
 - ۶ – داشتن دفتر کار خوب و منظم؛ ۲ نمره
- توجه: انجام پیشنهادها، نگارش مقالات تحقیقی و ارائه ابتکارهای علمی، ادبی و هنری تا دو نمره به معدل نمره مستمر اضافه می‌کند.

بخش دوم: ارزش‌یابی پایانی

این ارزش‌یابی در پایان نیم‌سال اول در دو بخش انجام می‌گیرد: ۱ – قرائت آیات ۲ – آزمون کتبی؛ و نیم سال دوم فقط دارای آزمون کتبی است. در آزمون کتبی باید سؤال‌هایی طرح شود که بیش‌تر نیازمند تفکر و تجزیه و تحلیل اند و قدرت تعقل و استنباط شما را ارزیابی می‌کنند؛ بنابراین شایسته است کتاب را به نحوی مطالعه کنید که پاسخ‌گوی این‌گونه سؤال‌ها باشید.

۷- سخن آخر این که شما در این کتاب قدم‌های دیگری را در مسیر زندگی برمی‌دارید. اگر این کتاب را روزنه‌ای به روشنایی حقیقت یافتید، آن را نگه دارید تا در آینده، در کنار کتاب‌های سال‌های قبل و بعد، مجموعه‌ای از شیوه زندگی اسلامی را در اختیار داشته باشید. خصوصاً که در بخش‌هایی از کتاب، ردّیابی از فکر بدیع خودتان به جا مانده است. باشد که فردا نسبت به کار امروز خود، احساس سربلندی کنید.

توجه : چند نکته مهم درباره ارزش‌یابی

۱- آنچه با عنوان «برای مطالعه»، «پیشنهاد»، «گام» و «یادآوری» آمده و در پاورقی ذکر شده است، برای توسعه اطلاعات دانش‌آموزان می‌باشد. دبیر محترم می‌تواند در توضیح درس از آن‌ها استفاده کند و نمره تشویقی برای آن‌ها در نظر بگیرد. اما در ارزش‌یابی مستمر و پایانی و آزمون‌های ورودی دانشگاه‌ها نباید از این قسمت‌ها سؤال طرح شود.

۲- آیات و عبارات قرآنی که در کتاب ترجمه نشده است، در کلاس توسط دانش‌آموزان ترجمه و به طور جمعی زیر نظر دبیر محترم تصحیح می‌شود. دانش‌آموزان تنها ملزم به معنای این بخش از عبارات قرآنی هستند. از این رو معنا کردن آیاتی که ترجمه آن‌ها در کتاب آمده است، نباید در ارزش‌یابی مستمر و پایانی و آزمون‌های ورودی دانشگاه‌ها مورد سؤال قرار گیرد. هم‌چنین نباید از معنی کلمه یا لغت سؤال شود. لغاتی که در پایان آیات برخی درس‌ها آمده، فقط برای کمک به دانش‌آموزان است تا عبارت‌های قرآنی را معنا کنند و خودشان نباید به شکل انفرادی مورد سؤال قرار گیرند.

۳- آن دسته از فعالیت‌های داخل درس که با علامت (☀️) مشخص شده‌اند، فقط برای ارزش‌یابی مستمر است و در امتحان پایانی یا آزمون ورودی دانشگاه‌ها نباید از آن‌ها سؤال طرح شود.

۴- فقط حفظ کردن آیات و روایاتی که با علامت (🌿) مشخص شده برای آزمون پایانی و آزمون ورودی دانشگاه‌ها ضروری است و می‌توان عین آن آیات و روایات را از دانش‌آموزان پرسید. در سایر موارد، حفظ کردن عین آیات و روایات ضروری نیست، بلکه برداشت و استنباط از آن‌ها اهمیت دارد. برای مثال، نباید در امتحان پایانی از دانش‌آموزان بخواهیم که آیه یا حدیثی درباره کرامت نفس بنویسند. بلکه باید آن آیه یا حدیث مطرح شود و دانش‌آموزان پیام‌ها و نکاتی را که می‌توان از آن به دست آورد، بنویسند. هم‌چنین در امتحان پایانی و آزمون ورودی دانشگاه‌ها نباید سؤال شود که فلان حدیث از کدام معصوم علیه السلام است.

۵- در برخی از فعالیت‌های داخل درس یا در اندیشه و تحقیق، از دانش‌آموزان خواسته شده که به آیاتی از قرآن مراجعه کنند و با تفکر در آن به سؤالی که پیرامون موضوع درس است، پاسخ دهند. از آن‌جا که حفظ کردن شماره و معنای این قبیل آیات جزء آموزش نیست، هنگام طرح سؤال از آن‌ها، باید ترجمه این گونه آیات در اختیار دانش‌آموزان قرار گیرد تا بتوانند با تفکر در معنای آیه پاسخگوی سؤال باشند.

۶- از آن‌جا که متن عربی احادیث (به استثنای احادیث علامت‌دار) جزء یادگیری دانش‌آموزان نیست، نمی‌توان متن عربی را در سؤال آورد و از دانش‌آموزان خواست که با توجه به آن به سؤال‌ها پاسخ دهند.

خداوند یار و نگهدار تان باد



مرحلهٔ اوّل

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ
وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ

ای مؤمنان، دعوت خدا و پیامبر را اجابت
کنید؛ آن گاه که شما را به چیزی فرا می خواند
که زندگی و حیاتتان می بخشد.

انفال ۲۴

اندیشه و قلب

یادآوری



در سال اول، در مرحله اندیشه و قلب با «هدف زندگی» آشنا شدیم و دانستیم که مقصود و محبوب زندگی ما «خداست». او سرچشمه همه خوبی‌ها و زیبایی‌های پایدار و پایان‌ناپذیر است و حرکت به سوی این خوبی‌ها و زیبایی‌ها به معنی نزدیکی به اوست. در حقیقت، راه رسیدن به خدا راه رسیدن به همه کمال‌ها و زیبایی‌هاست.

در همین سال آموختیم که چگونه ایمان خود را به خدا، تقویت کنیم تا این اعتقاد در رفتار و عمل ما جلوه‌گر شود.

در سال دوم، آینده جهان و انسان را بررسی کردیم و دیدیم که جهان رو به تکامل دارد

و به سوی خداوند سیر می‌کند. موجودات جهان، همان‌گونه که از خداوندند، به سوی او نیز باز می‌گردند. در میان مخلوقات پیرامون ما، بازگشت انسان، یک بازگشت ویژه است. معاد انسان بر مبنای عمل اختیاری او، و به تعبیر دقیق‌تر عین عمل اوست. بنابراین باید برای انجام بهترین عمل به درستی برنامه‌ریزی کند.

در بخش «اندیشه و قلب» این کتاب با شیوه‌های هدایتی خداوند بیش‌تر آشنا می‌شویم تا با بهره‌مندی بهتر از هدایت‌های خداوند، برای بهترین زندگی در دنیا و خوشبختی جاودان در آخرت بهتر برنامه‌ریزی کنیم.

درس ۱

هدایت الهی

انسان همچون سایر موجودات زنده، یک دسته نیازهای طبیعی و غریزی دارد؛ مانند نیاز به آب، هوا، غذا و پوشاک. خداوند پاسخ به این نیازها را در جهان خلقت آماده کرده و راه آگاهی از آنها را به انسان داده است. در وقت نیاز به آب و غذا احساس تشنگی و گرسنگی می‌کند و سراغ آب و غذا را می‌گیرد. هنگام احساس سرما و گرما، از مصالح موجود در طبیعت بهره می‌برد و برای خود لباس و پوشاک تهیه می‌کند.

آیا نیازهای انسان منحصر در همین نیازهای طبیعی و غریزی است؟

یا نیازهای برتری دارد که او را از سایر موجودات ممتاز می‌کند؟

آن نیازها کدامند و راه پاسخ‌گویی به آنها چگونه است؟



عَلَى اللَّهِ حُجَّةٌ

بَعْدَ الرُّسُلِ

وَكَانَ اللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمًا

در مقابل خداوند، بهانه و دستاویزی

بعد از آمدن پیامبران

.....

نساء، ۱۶۵

إِنَّا أَنْزَلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ

لِلنَّاسِ بِالْحَقِّ

فَمَنْ اهْتَدَىٰ

فَلِنَفْسِهِ

وَمَنْ ضَلَّ

فَأِنَّمَا يَضِلُّ عَلَيْهَا

وَمَا أَنْتَ عَلَيْهِمْ بِوَكِيلٍ

همانا ما این کتاب را بر تو نازل کردیم

برای مردم، به حق

پس هر که هدایت یافت

به سود خود اوست

و هر که گمراه شد

تنها به زیان خود گمراه می‌شود

و تو وکیل و مدافع آنها نیستی

زُمر، ۴۱

وَقَالُوا الْحَمْدُ لِلَّهِ

الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا

وَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ

لَوْلَا أَنْ هَدَانَا اللَّهُ

.....

.....

.....

.....

اعراف، ۴۳

به کمک توضیحات زیر، ترجمه آیات را کامل کنید.

أَعْطَى: بخشید، عطا کرد
 سَوَّيَ: آراست، منظم و مرتب کرد
 إِهْتَدَى: هدایت شد
 مَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ: هرگز هدایت نمی شدیم
 سَبَّحَ: منزه بدار، تسبیح کن
 قَدَّرَ: اندازه گیری کرد
 هَدَانَا: هدای+نا: هدایت کرد ما را

پیام آیات (۱)

سوره / آیه	با تفکر در آیات ابتدای درس جملات زیر را تکمیل کنید.
.....	۱- خواست هر انسان خردمند از خداوند این است که
.....	۲- اگر کسی چنین خواستی نداشته باشد، نتیجه اش
.....	۳- اکنون که خداوند انسان ها را هدایت کرده، اگر کسی بر عهده خودش است.
.....	۴- اکنون که خداوند پیامبران را فرستاده و انسان ها را هدایت کرده، کسی نمی تواند.....
.....

سؤال: اکنون که پیام آیات به دست آمد و روشن شد که هر انسان با فکر و اندیشه ای برای رسیدن به هدف زندگی خواهان و طالب راهنمایی خداوند است، جای طرح این سؤال هست که چرا انسان خودش نمی تواند برنامه کاملی برای هدف زندگی تنظیم کند و به هدایت الهی نیازمند می باشد؟ برای رسیدن به پاسخ، متن زیر را مطالعه می کنیم:

نیازهای برتر

انسان، اندکی که از سطح زندگی روزمره و نیازهای طبیعی فراتر رود و در افق بالاتری بیندیشد، خود را با نیازهایی مهم تر روبرو می بیند. این نیازها به تدریج به دل مشغولی، دغدغه و حتی درد متعالی

تبدیل می‌گردند که قرار و آرام را از او می‌گیرد تا پاسخ آن‌ها را نیابد، آرام نمی‌گیرد. این دغدغه و درد، نشانه بیداری و هوشیاری و ورود به وادی انسانیت است.

هرکه او بیدارتر، پرودتر هرکه او هشیارتر، رخ زردتر

این نیازها عبارتند از:

۱- درک هدف زندگی: انسان می‌خواهد بداند «برای چه زندگی می‌کند» و کدام هدف است که به زندگی‌اش معنایی متعالی می‌دهد. او می‌داند که اگر این هدف حقیقی را به دست نیاورد یا در شناخت آن دچار خطا شود، عمر خود را از دست داده، درحالی که سعادت و خوشبختی را هم به دست نیاورده است. راستی، هدف برتر زندگی کدام است؟

۲- درک آینده خویش: انسان با کمک عقل خود می‌تواند به درک این حقیقت برسد که بنا بر حکمت و عدل خداوند، مرگ نابودکننده او و پایان همیشگی زندگی‌اش نیست و آینده‌ای روشن در جهانی دیگر در انتظار اوست، اما نمی‌داند که نحوه زندگی او پس از مرگ چگونه است؟

زاد و توشه سفر به آنجا چیست؟ و خوشبختی وی در آن سرا در گرو انجام چه کارهایی است؟

۳- کشف راه درست زندگی: راه زندگی یا «چگونه زیستن» که ارتباط دقیقی با دو نیاز قبلی دارد، دغدغه اصلی انسان‌های فکور و خردمند بوده است؛ به خصوص که انسان فقط یک بار به دنیا می‌آید و یک بار آن را تجربه می‌کند. انسان می‌داند که اگر راه درست زندگی را انتخاب نکند، به آن هدف برتری که خداوند در خلقت او قرار داده، نخواهد رسید و نه تنها در آخرت دچار خسران خواهد شد، بلکه نخواهد توانست زندگی فردی خود در دنیا را نیز به خوبی تنظیم نماید و یک جامعه عادلانه به وجود آورد. اما راه درست زندگی کدام است؟ چگونه می‌توان آن را به دست آورد؟



برای این که پاسخ به این نیازها، پاسخی راهگشا و اطمینان‌بخش باشد، باید:

الف - همه‌جانبه باشد؛ به طوری که به نیازهای مختلف انسان پاسخ دهد. زیرا ابعاد جسمی و روحی، فردی و اجتماعی و دنیوی و اخروی انسان پیوند و ارتباط کامل و تنگاتنگی با هم دارند و

۱- مثنوی معنوی، دفتر اول:

حسرت‌وزاری که در بیماری است	وقت بیماری همه بیداری است
پس بدان این اصل را ای اصل‌جو	هرکه را درد است، او بُرده ست بو
هر که او بیدارتر، پرودتر	هر که او هشیارتر، رخ زردتر

نمی‌توان برای هر بُعدی برنامه‌ریزی جداگانه‌ای کرد.

ب - پاسخ‌ها باید کاملاً درست و قابل اعتماد باشند؛ زیرا هر پاسخ احتمالی و مشکوک نیازمند تجربه و آزمون است تا کارایی آن مشخص شود. درحالی که عمر محدود آدمی برای چنین تجربه‌ای کافی نیست، به‌خصوص که راه‌های پیشنهادی هم بسیار زیاد و گوناگون است. کسی می‌تواند انسان را در جهت پاسخ‌گویی درست به این نیازها رهنمون شود که آگاهی کاملی از خلقت انسان، هدف از خلقت، جایگاه او در نظام هستی، ابعاد دقیق و ظریف روحی و جسمی و نیز فردی و اجتماعی او و چگونگی زندگی در جهان آخرت و ارتباط آخرت با دنیا داشته باشد.

ارزیابی



با توجه به توضیحات، بررسی کنید که آیا دستگاه تفکر انسان به تنهایی می‌تواند به نیازهای بنیادین پاسخ کامل و جامع دهد؟

.....

.....

پیام آیات (۲)



سوره / آیه	با تفکر در آیات ابتدای درس، پیام‌های زیر را تکمیل کنید.
.....	۱- خداوند تمام مخلوقات را هدایت می‌کند که آن را..... می‌گویند.
.....	۲- خداوند هر دسته از مخلوقات را متناسب با ویژگی‌ها و خصوصیاتشان..... که آن را..... می‌گویند.

اکنون به تبیین پیام‌های فوق می‌پردازیم.

هدایت عمومی

خدای جهان، آفریدگاری حکیم است؛ یعنی هر موجودی را برای هدفی معین خلق می‌کند و

برای رسیدن به آن هدف هدایت می‌فرماید. آفرینش بی‌هدف، نشانهٔ نقص و ضعف و ناآگاهی است و این ویژگی‌ها نمی‌تواند در خداوند باشد. پس، هدایت یک اصل عام و همگانی در نظام خلقت است.

خلقت ← هدایت ← هدف

هدایت ویژهٔ انسان

ویژگی‌ها و ارزش‌هایی که خداوند در وجود انسان قرار داده است، سبب تمایز بنیادین او از سایر موجودات می‌شود. این ویژگی‌ها متناسب با هدف خلقت انسان، یعنی تقرب به خداوند که تقرب به همهٔ خوبی‌ها و زیبایی‌هاست، می‌باشد.

یکی از این ویژگی‌ها، توانایی تفکر و تعقل و ویژگی دیگر قدرت اختیار و انتخاب است. اگر می‌گوییم حرکت انسان اختیاری است، بدان معناست که می‌تواند هدف درست را تشخیص دهد، آن را برگزیند و به سویش حرکت کند.

برای تشخیص هدف و راه رسیدن به آن، خداوند دو چراغ به وی داده است: عقل در درون وجود او و فرستادگان الهی در بیرون. انسان به کمک عقل خود بسیاری از مجهولات و مسائل را درمی‌یابد و پاسخ می‌دهد. مثلاً می‌داند که جهان مبدأ و آفریدگاری دارد و آینده‌ای روشن در انتظار اوست. همچنین انسان به کمک عقل خود متوجه می‌شود که نمی‌تواند پاسخ برخی از مسائل بنیادین را به‌طور درست و کامل بدهد و برای این‌گونه مسائل نیازمند هدایت الهی است. از این رو خداوند پیامبرانی را می‌فرستد تا پاسخ این‌گونه مسائل را به انسان‌ها برساند و هدایتشان کند. بدین ترتیب، اگر انسان عاقلانه بیندیشد، راه دستیابی به همهٔ نیازها برای وی مشخص شده و دلیلی برای توجیه ناکامی‌ها ندارد.

امام کاظم علیه السلام به شاگرد برجستهٔ خود، هشام بن حکم، فرمود:

ای هشام، خداوند رسولانش را به سوی بندگان نفرستاد، جز برای آن که این بندگان در پیام الهی تعقل کنند. کسانی این پیام را بهتر می‌پذیرند که از معرفت برتری برخوردار باشند و آنان که در تعقل و تفکر برترند، نسبت به فرمان‌های الهی داناترند و آن کس که عقلش کامل‌تر است، رتبه‌اش در دنیا و آخرت بالاتر است.

ای هشام، خداوند دو حجّت^۱ بر مردم دارد: حجّت آشکار و حجّت نهنان. حجّت آشکار، رسولان و انبیا و ائمه‌اند و حجّت نهنان، همان عقل انسان‌هاست.^۲

۱- حجّت، آن دلیلی است که برای قانع کردن یا محکوم کردن دیگری به‌کار می‌رود. خداوند با این دو حجّت در مقابل گناهکاران و

گمراهان که می‌خواهند بگویند راهی برای تشخیص حق نداشتیم، استدلال می‌کند و آنان در مقابل داوری الهی پاسخی نخواهند داشت.

۲- اصول کافی، چاپ اسلامی، ج ۱، ص ۱۹.

بنابراین، عقل وسیله فهم پیام الهی است و هرکس با تفکر و تعقل خود در پیام الهی بیندیشد، درخواهد یافت که :

۱- هدف و مقصد زندگی انسان چیست و با کدام هدف، زندگی وی معنای حقیقی خود را خواهد یافت.

۲- آینده انسان چیست و چگونه رقم می خورد.

۳- راه درست زندگی چیست و چگونه به سعادت خواهد رسید.

پژوهشی

● برای رسیدن به یک زندگی هدفمند، شاد، رضایت بخش و خوش فرجام، آسان ترین، مستقیم ترین و مطمئن ترین راه، چه راهی است؟
چه عواملی سبب می شود که برخی انسان ها قدم در کوره راه های نامطمئن و بدفرجام گذارند؟

.....
.....

برای مطالعه

شاید این سؤال به ذهن ما بیاید که : انسان امروز چه قدر به دین و پیام آسمانی نیازمند است؟ به عبارت دیگر : آیا آن نیازهایی که انسان های گذشته را به سوی خدا و دین الهی می کشاند، همچنان وجود دارد؟

با نگاهی به سرنوشت انسان معاصر و شرایط کنونی او، درمی یابیم که نه تنها آن نیازهای بنیادین قوی تر و جدی تر از گذشته پابرجاست، بلکه انسان امروز به شدت سرگردان است و اگر به خدا و پیام الهی روی نیاورد، سرگردانیش شدیدتر و خطرناک تر خواهد شد.

در قرن‌های هفدهم، هجدهم و نوزدهم که علم در غرب پیشرفت کرد و به سرعت توسعه یافت، چنین تصور می‌شد که می‌توان با کمک علوم تجربی به نیازهای بنیادین پاسخ گفت و دغدغه‌های جدی آدمیان را به آرامش درونی و آسایش در زندگی تبدیل کرد. اما هر قدر که علم به پیش رفت و ابزارهای کارآمد و مؤثری را در اختیار انسان قرار داد، برنگرانی‌های وی افزوده شد؛ به گونه‌ای که در اواخر قرن بیستم، انسان احساس کرد که سؤال‌های بنیادینش همچنان بی‌پاسخ مانده است. انسان امروز می‌بیند که آرامش درونی‌اش کاهش یافته، هدف متعالی زندگی وی گم شده، ظلم و بی‌عدالتی گسترش یافته، دانش و تکنولوژی در خدمت اهداف ضدانسانی صاحبان زر و زور قرار گرفته، تروریسم به صورت فردی و دولتی آن، جان انسان‌های مظلوم و بی‌دفاع را به راحتی می‌گیرد، جهان به دو قطب محروم (با جمعیتی بسیار زیاد) و ثروتمند (با جمعیتی اندک) تقسیم شده است، سلاح‌های مخرب با قدرت تخریبی فوق‌العاده در انبارها انباشته شده، انواع مواد مخدر در شکل‌ها و اقسام مختلف در دسترس افراد قرار گرفته، فسادهای گوناگون اخلاقی رواج یافته و قاچاق کودکان و فروش آنان در بازارهای مخفی جهانی برای استفاده‌های مختلف (از جمله، فروش اعضا) رونق پیدا کرده و استفادهٔ ابزاری از ظاهر زن برای فروش بیش‌تر کالاهای تجاری و ثروت‌اندوزی ثروتمندان، کرامت و منزلت انسانی زنان را تنزل داده است.

اگر از ظاهر زندگی‌ترین شدهٔ انسان امروز عبور کنیم و به واقعیت درونی آن برسیم، رنج بزرگ او را مشاهده می‌کنیم. انسان آخر قرن بیستم و ابتدای قرن بیست‌ویکم میلادی، برخلاف انسان قرن هفدهم و هجدهم، دریافته است که علم با همهٔ فایده‌ها و خوبی‌هایش، به تنهایی نمی‌تواند او را از بحران‌های بزرگ رهایی بخشد و به نیازهای اساسی‌اش پاسخی مناسب دهد. همین امر، انسان را برانگیخته است که بار دیگر آهسته آهسته به خدا و دین روی آورد و رهایی از سرگردانی را در بازگشت به دین، معنویت و پیام‌های الهی جست‌وجو کند. در نتیجه انسان امروز بیش از گذشته به پیام الهی احساس نیاز می‌کند.

در این میان، مسئولیتی سنگین برعهدهٔ ماست که از این موقعیت بهره ببریم و مردم دنیا را به بهترین دین خدا، معنویت و برنامهٔ زندگی رهایی‌بخش آن دعوت کنیم. برای این کار باید ابتدا آگاهی عمیق و درستی از دین خود به دست آوریم و در پایبندی به آن بکوشیم و سپس، با زیباترین روش‌ها به تبلیغ دین پردازیم. خوب است بدانیم که هم‌اکنون ترجمهٔ قرآن کریم به زبان انگلیسی از پرطرفدارترین کتاب‌هاست و شمار کسانی که در اروپا به دین اسلام درمی‌آیند، بیش از گروندگان به‌سایر ادیان است.



- ۱- آیا می‌توان پاسخ به نیازهای برتر را به احساسات شخصی و سلیقه فردی واگذار کرد و گفت که می‌خواهم بدون بررسی و تحقیق کافی به این نیازها پاسخ دهم؟ چرا؟
- ۲- آیا انسان می‌تواند پاسخ دادن به این نیازها را نادیده بگیرد و براساس ضرب‌المثل «هرچه پیش آید خوش آید» رفتار کند؟ چرا؟
- ۳- آیات ۴۲ و ۴۳ سوره یونس را مطالعه کنید و پیام اصلی آن‌ها را که مربوط به رابطه حجت ظاهر و حجت باطن است، توضیح دهید.
- ۴- هر کدام از آیات ۹ اسراء و ۹۷ نحل پاسخ کدام یک از نیازهای انسان را دربر دارد و چه مطالبی را مطرح می‌کند؟ آن را در جدولی مانند جدول زیر توضیح دهید.

آیه	نیاز	پاسخ

گام اول

تلاش برای بهره‌مندی از هدایت خداوند

اکنون که خداوند، آن مهربان‌ترین مهربانان، با فرستادن رسولانش
ما را به سوی پاسخ‌های درست هدایت کرده، می‌کوشیم با قدرت عقل
و فکر خویش، از راه‌نمایی خداوند که در قرآن کریم و کلام پیشوایان دین آمده است،
بهره‌بریم و زندگی خود را بر اساس مطمئن‌ترین پاسخ‌ها بنا کنیم.
خدایا! تو خود هدایت‌گر ما باش.



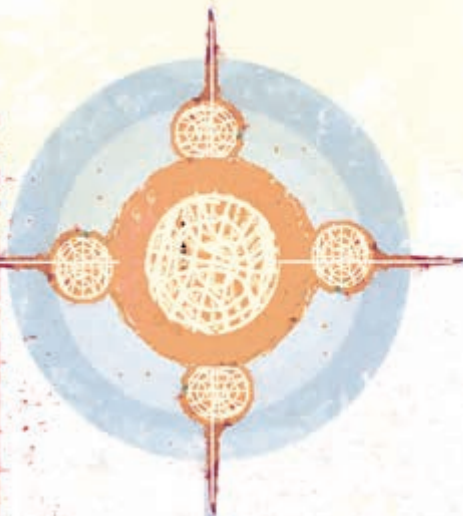
درس ۲

هدایت مستمر

گفتیم که خداوند، متناسب با دو ویژگی «تعقل» و «اختیار» در انسان‌ها، آن‌ها را با فرستادن دین راهنمایی و هدایت کرده است و پیامبران الهی مسئولیت ابلاغ و رساندن آن را به مردم برعهده داشتند. از میان تعداد فراوان پیامبران، ما اکنون با برخی از آن‌ها که نامشان در قرآن کریم یا احادیث و برخی کتب تاریخی آمده است آشنا هستیم.

در این درس می‌خواهیم به این مسئله بپردازیم که:

آیا خداوند یک دین برای مردم فرستاده و پیامبران، راهنمایان مردم به یک دین بوده‌اند یا این که پیامبران مردم را به ادیان مختلف دعوت کرده‌اند؟



آیات زیر را به دقت و زیبا قراأت کنید.

برای شما از دین تشریح کرد	شَرَعَ لَكُمْ مِنَ الدِّينِ
آنچه را که به نوح سفارش کرده	مَا وَصَّى بِهِ نُوحًا
و نیز آنچه را که به تو وحی کردیم	وَالَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ
و آنچه سفارش کردیم به ابراهیم	وَمَا وَصَّيْنَا بِهِ إِبْرَاهِيمَ
و موسی و عیسی	وَمُوسَى وَعِيسَى
که دین را بپا دارید	أَنْ أَقِيمُوا الدِّينَ
و در آن متفرق نشوید	وَلَا تَتَفَرَّقُوا فِيهِ
بر مشرکین سخت است،	كَبُرَ عَلَى الْمُشْرِكِينَ
آنچه که آنان را بدان دعوت می‌کنی.	مَا تَدْعُوهُمْ إِلَيْهِ
خدا هر که را بخواهد برای خود برمی‌گزیند.	اللَّهُ يَجْتَبِي إِلَيْهِ مَنْ يَشَاءُ
و به سوی خود هدایت می‌کند	وَيَهْدِي إِلَيْهِ
کسی را که اهل بازگشت باشد.	مَنْ يُنِيبُ

شوری، ۱۳

وَقَالُوا كُونُوا هُودًا أَوْ نَصَارَى تَهْتَدُوا
 قُلْ بَلْ مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا
 وَمَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ

قولوا ءامتنا بالله

و ما أنزل إلینا

و ما أنزل الی ابراهیم و اسماعیل

و اسحاق و یعقوب و الاسباط

و ما اوتی موسی و عیسی

و ما اوتی النبیین من ربهم

لا نفرق بین احد منهم

و نحن له مسلمون

بقره، ۱۳۵ و ۱۳۶

ان الدین عند الله الاسلام

و ما اختلف الذين اوتوا الكتاب

الا من بعد ما جاءهم العلم

بغیا بینهم

و من یكفر بآیات الله

فان الله سریع الحساب

أل عمران، ۱۹

هیچ رسولی را نفرستادیم

جز به زبان قومش

تا برای آنان به روشنی بیان کند...

و ما أرسلنا من رسول

الا بلسان قومہ

لیبین لهم...

ابراهیم، ۴

محمد ﷺ پدر هیچ یک	مَا كَانَ مُحَمَّدٌ أَبَا أَحَدٍ
از مردان شما نیست	مِنْ رِجَالِكُمْ
اما او فرستاده خدا	وَلَكِنْ رَسُولَ اللَّهِ
و پایان پیامبران است.	وَ خَاتَمَ النَّبِيِّينَ ^۱
و خدا به هر چیزی داناست	وَ كَانَ اللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا

احزاب، ۴۰

خدا داناتر است	اللَّهُ أَعْلَمُ
که رسالت خود را بر عهده چه کسی بگذارد	حَيْثُ يَجْعَلُ رِسَالَاتَهُ

انعام، ۱۲۴



به کمک توضیحات زیر، ترجمه آیات را کامل کنید.

کونوا : باشید	خنیف : حق گرا
ما او تیی : آنچه داده شده به	لائفرق : فرق نمی گذاریم
ما اختلف : اختلاف نکردند	بغیا : از روی ستم و تجاوز

۱- خاتم، در لغت، به معنای مهر است که بزرگان در پایان نامه خود می‌زنند و نامه را پایان می‌دادند. رسول خدا ﷺ نیز که تمام کننده و پایان پیامبران است، خاتم النبیین نامیده شده است.



سوره / آیه	پیام‌های زیر را به کمک آیات ابتدای درس کامل کنید.
.....	۱- خداوند یک دین برای پیامبران تشریح کرده و از آنان خواسته..... و.....
.....	۲- کسانی که از مردم می‌خواهند پیرو ادیان دیگری مانند یهودیت یا مسیحیت شوند، راه نادرستی را می‌پیمایند. همه باید به..... دعوت کنند.
.....	۳- هدایت شده واقعی کسی است که به همه پیامبران..... و میان آنان تفرقه نیندازد.
.....	۴- هر پیامبری دین الهی را متناسب با..... برای قوم و دوره خود تبلیغ می‌کند تا.....
.....	۵- اسلام (تسلیم خدا بودن) نام تنها دین الهی است. و کسانی سبب تفرقه در دین شدند که به حقیقت آگاه بودند اما.....
.....	۶- حضرت محمد <small>صلی الله علیه و آله و سلم</small> و پس از ایشان.....
.....	۷- خداوند، مسئولیت پیامبری را بر عهده کسانی قرار می‌دهد که می‌دانند.....

اکنون که با نظر قرآن کریم درباره دین واحد آشنا شدیم، می‌خواهیم دلیل این نظر را بررسی کنیم تا بدانیم که :

- ۱- چرا خداوند برای انسان‌ها یک دین قرار داده است؟
- ۲- چرا برای تبلیغ این دین، پیامبران متعدد فرستاده است؟
- ۳- اگر خداوند یک دین برای انسان‌ها فرستاده، چرا اکنون ادیان الهی مختلفی در جهان وجود

دارد؟

- ۴- چرا پس از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم پیامبری ظهور نمی‌کند و ایشان خاتم پیامبران است؟
- ۵- چرا باید پیامبران ویژگی‌های خاصی داشته باشند؟ این ویژگی‌ها کدامند؟

الف - فطرت مشترک و دین واحد

فطرت از کلمه فطر به معنای خلق و ابداع است. فطرت به معنای نوع خاص آفرینش است. پس وقتی از فطرت انسان سخن می‌گوییم، منظور آفرینش خاص انسان و ویژگی‌هایی است که در

اصل آفرینش وی وجود دارد. از هنگام آفرینش انسان تا کنون، اقوام و ملت‌های گوناگونی روی کره زمین آمده و زندگی کرده‌اند. این انسان‌ها با این که در برخی خصوصیات، مانند نژاد، زبان و آداب و رسوم با یک‌دیگر تفاوت دارند، اما در ویژگی‌های فطری مشترکند و به همین جهت همه نام مشترک انسان گرفته‌اند.

همه انسان‌ها از استعداد تفکر و تعقل و قدرت اختیار برخوردارند.

آنان فضیلت‌های اخلاقی مانند عدل، حق و خیرخواهی را دوست دارند و از رذائل اخلاقی مانند ظلم، حسد و دروغ بیزارند.

آنان به دنبال زیبایی‌ها، خوبی‌ها و کمالات نامحدودند و به حد معینی قانع نمی‌شوند.

آنان از فنا و نابودی گریزان و در جستجوی حیات جاودانه‌اند.

آنان زندگی در جامعه عادلانه را دوست دارند و از ظلم و ستم گریزانند.

و بالاخره، همه به دنبال راهی هستند که آنان را به سعادت حقیقی برساند.

به سبب همین ویژگی‌های فطری مشترک، خداوند یک برنامه کلی به انسان‌ها عنایت کرده تا آنان را به هدف مشترکی که در خلقتشان قرار داده است، برساند. این برنامه اسلام نام دارد که به معنای تسلیم بودن در برابر خداست.

محورهای اصلی این برنامه عبارت‌اند از:

- ۱- ایمان به خدای یگانه و دوری از شرک و بت‌پرستی.
- ۲- ایمان به معاد و سرای آخرت و پاداش و جزای عادلانه انسان‌ها در آن سرا.
- ۳- اعتقاد به عادلانه بودن نظام هستی.
- ۴- ایمان به فرستادگان الهی و راهنمایان دین.
- ۵- عبادت و بندگی خداوند با انجام فرایضی چون نماز، روزه، دعا و مناجات.
- ۶- کسب مکارم اخلاقی مانند تقوا، عفاف، صداقت و کرامت نفس.
- ۷- دوری از رذائل و زشتی‌های اخلاقی مانند ظلم، نفاق، دروغ و ریا.
- ۸- برپایی نظام اجتماعی براساس عدل.

هیچ پیامبری نیامده است مگر این که مردم را به این محورها فراخوانده است. به همین جهت است که می‌گوییم محتوای اصلی دعوت پیامبران یکسان بوده است و همه آن‌ها آورنده یک دین بوده‌اند. آری، تعالیم پیامبران در برخی از احکام فرعی تفاوت داشته است، همانند چگونگی انجام نماز و روزه، پرداخت زکات، احکام خانواده و جامعه. اما این تفاوت‌ها سبب نمی‌شد که اصل دین و راه

آنان مختلف شود و هر کدام دین خاصی بیاورند، چون همه آن‌ها در آن محورهای اصلی و نیز در اصل بسیاری از احکام، مانند نماز، روزه، جهاد، امر به معروف و نهی از منکر مشترک بودند.

ب — علل آمدن پیامبران متعدّد

حال می‌پرسیم: با این که خداوند یک برنامه را برای زندگی انسان‌ها برگزیده، چرا برای ابلاغ آن، پیامبران متعددی را فرستاده است؟

ارسال این پیامبران بنا به مجموعه علل زیر بوده است:

۱— لزوم استمرار در دعوت و ترویج پیوسته آن: لازمه استقرار و ماندگاری یک پیام، تبلیغ دائمی و مستمر آن است. پیامبران الهی با ایمان راسخ و مجاهدتی بی‌مانند، در طول زمان‌های مختلف قدم در راه تبلیغ دین الهی می‌گذاشتند و سختی‌ها و ناملازمات را تحمل می‌کردند تا خداپرستی، عدالت‌طلبی و کرامت‌های اخلاقی میان انسان‌ها بماند و گسترش یابد و شرک، ستمگری و رذائل اخلاقی از بین برود. این تداوم سبب شد که تعالیم الهی در میان مردم بماند، جزء آداب و فرهنگ آنان شود و کسانی نتوانند به سادگی آن را از میان جامعه بشری بیرون کنند.

۲— رشد تدریجی سطح فکر جوامع و اقوام: علت دیگر آمدن پیامبران متعدد، رشد تدریجی فکر و اندیشه و امور مربوط به آن مانند دانش و فرهنگ می‌باشد.

از همین رو لازم بود تا در هر عصر و دوره‌ای پیامبران جدیدی مبعوث شوند تا همان اصول ثابت دین الهی را درخور فهم و اندیشه انسان‌های دوران خود بیان کنند و متناسب با درک آنان سخن گویند تا آنان پیام الهی را در حد فهم خود درک کنند و به آن ایمان آورند.

پیامبر اکرم ﷺ می‌فرماید:

ما انبیاء مأمور شده‌ایم

که با مردم به اندازه

فهم و درکشان سخن بگوییم.

نَحْنُ مَعَاشِرَ الْأَنْبِيَاءِ

أُمِرْنَا أَنْ نُكَلِّمَ النَّاسَ

عَلَى قَدْرِ عُقُولِهِمْ

۳— از بین رفتن یا تحریف تعلیمات پیامبر پیشین: به علت ابتدایی بودن سطح فرهنگ و زندگی اجتماعی و عدم توسعه کتابت، تعلیمات انبیاء به تدریج فراموش می‌گردید یا به گونه‌ای عوض

می‌شد که دیگر به اصل آن شباهتی نداشت، براین اساس، پیامبران بعدی می‌آمدند و تعلیمات اصیل و تحریف نشده را بار دیگر به انسان‌ها ابلاغ می‌کردند.

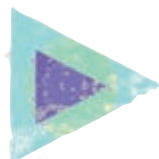
سؤال : علت وجود ادیان مختلف در جهان چیست؟

پاسخ : تفکر در آیات قرآن کریم و مطالعه تاریخ انبیاء الهی نشان می‌دهد که هر پیامبر جدیدی که از طرف خداوند مبعوث شده است، پیامبران گذشته را تصدیق کرده و خود را ادامه‌دهنده راه آنان معرفی نموده است و از پیروان آنان دعوت کرده که به امر خداوند به او ایمان آورند و او را یاری دهند. هیچ پیامبری نیامده که پیامبر قبلی را انکار کند و بگوید که ای مردم، دین آن پیامبر درست نبوده، پس به من ایمان آورید. همچنین این‌گونه نبوده که مثلاً حضرت عیسی علیه السلام قیام کند و بگوید «ای مردم، حضرت موسی علیه السلام قبل از من به پیامبری مبعوث شد و یک دین از جانب خدا آورد. اکنون من دین دیگری آورده‌ام، هر کدام را که می‌خواهید بپذیرید.» بلکه او آمد و فرمود من ادامه‌دهنده راه ابراهیم علیه السلام، موسی علیه السلام و همه پیامبران گذشته هستم و از شما که پیروان موسی علیه السلام هستید، می‌خواهم که اکنون، در ادامه آن‌ها دعوت مرا بپذیرید و از من پیروی نمایید. اگر مردم آن زمان دعوت حق حضرت عیسی علیه السلام را قبول می‌کردند، چند دینی پدید نمی‌آمد.

پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم نیز در هنگام ظهور، خود را ادامه‌دهنده راه همه انبیاء و تمام‌کننده کار آنان معرفی کرد و از یهودیان و مسیحیان خواست که به ایشان ایمان آورند. اما این بار هم، با وجود آن که آمدن پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم در تورات و انجیل وعده داده شده بود، برخی از بزرگان مسیحی و یهودی پیامبری ایشان را انکار کردند و به مبارزه برخاستند. اگر این دسته از بزرگان یهودی و مسیحی، در آن روز، پیامبری رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم را می‌پذیرفتند، این اختلاف هم به وجود نمی‌آمد.

قرآن کریم منشأ اصلی اختلاف و چند دینی را آن دسته از رهبران دینی معرفی می‌کند که به خاطر حفظ مقام و موقعیت و منافع خود در برابر دعوت پیامبر جدید ایستادند و پیامبری او را انکار کردند و سبب اختلاف و چند دسته شدن پیروان پیامبران شدند.





۱- خوب است بدانیم که حضرت عیسیٰ علیه السلام در مسیر دعوت خود با دو گروه مخالف روبه‌رو شد. گروه اول برخی از بزرگان دین یهود بودند که حضرت عیسیٰ علیه السلام را پیامبر نمی‌دانستند و با سرسختی با ایشان مبارزه می‌کردند. گروه دوم حاکمان بت‌پرست روم شرقی بودند که بر سرزمین فلسطین حکومت می‌کردند و مانند حاکمان بیش‌تر سرزمین‌های اروپایی، در آن زمان، به دین الهی اعتقادی نداشتند. کار حضرت عیسیٰ علیه السلام در مبارزه با این دو گروه به جایی رسید که سربازان حاکم برای دست‌گیری و به شهادت رساندن وی، تعقیبش کردند و ایشان ناچار شد از شهری به شهری و از روستایی به روستایی برود. تا این‌که به همراه تعدادی از یارانش در باغی مخفی شد. در این‌جا بود که یکی از همراهانش به‌نام «یهودای اسخریوطی» به طمع جایزه حاکمان، مخفی‌گاه حضرت عیسیٰ علیه السلام را به آنان خبر داد و سربازان حاکم بت‌پرست به همراه برخی از بزرگان یهود، شبانه به آن مخفی‌گاه یورش بردند. در این هنگام، خداوند حضرت عیسیٰ علیه السلام را با قدرت لایزال خود به آسمان‌ها برد. سربازان که از این عروج خبر نداشتند و اگر کسی هم به آن‌ها خبر می‌داد، نمی‌توانستند آن را باور کنند، همان یهودای خبرچین را که چهره‌ای شبیه حضرت عیسیٰ علیه السلام داشت و شباهت او به آن حضرت در آن شب بیش‌تر شده بود، به جای حضرت عیسیٰ علیه السلام دستگیر کردند و به صلیب کشیدند. یهودیان و بت‌پرستان و حتی عده‌ای از یاران حضرت عیسیٰ علیه السلام گمان می‌کردند که آن حضرت به شهادت رسیده است. البته برخی از یاران بسیار نزدیک ایشان، مانند «برنابا» از عروج وی آگاه بودند. قرآن کریم این اشتباه را یادآوری می‌کند و ما را از کشته نشدن حضرت عیسیٰ علیه السلام آگاه می‌سازد و می‌فرماید:

وَقَوْلِهِمْ إِنَّا قَتَلْنَا الْمَسِيحَ این سخن آنان (بود) که ما کشتیم مسیح

عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ رَسُولَ اللَّهِ عیسی بن مریم رسول خدا را؛

وَمَا قَتَلُوهُ وَمَا صَلَبُوهُ حال آن‌که نه او را کشتند و نه به صلیب کشیدند

وَلَكِنَّ شُبُهَةَ لَهُمْ بلکه آنان به اشتباه افتادند.

وَإِنَّ الَّذِينَ اِخْتَلَفُوا فِيهِ و کسانی که در مورد او اختلاف کردند،

در این باره، هر آینه در شک اند	لَفِي شَكِّ مِّنْهُ
و نسبت به او علمی ندارند،	مَا لَهُمْ بِهِ مِنْ عِلْمٍ
جز پیروی از ظن و گمان.	إِلَّا اتِّبَاعَ الظَّنِّ
و یقیناً او را نکشته اند.	وَمَا قَتَلُوهُ يَقِينًا
بلکه خدا او را به سوی خود بالا برد	بَلْ رَفَعَهُ اللَّهُ إِلَيْهِ
و خداوند عزیز و حکیم است.	وَ كَانَ اللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمًا

نساء، ۱۵۷ و ۱۵۸

۲- برخی فکر می کنند پیامبران مانند فرושندگان کالا هستند که هر کدام برای خود مغازه ای باز کرده و کالای خود را تبلیغ می کنند و مردم باید بین آن کالاها یکی را انتخاب نمایند. اما همان طور که دیدیم، پیامبران مردم را به سوی خدا دعوت می کردند، نه به سمت خود و یک راه و یک سخن داشته اند و همه یکدیگر را تأیید کرده اند و اگر کسی به آخرین پیام آور الهی ایمان آورد، به همه پیامبران گذشته هم ایمان آورده و هیچ پیامبری را انکار نکرده و راهرو همه پیامبران بوده است. مهم این است که انسان در تشخیص آخرین پیامبر دچار خطا نشود.

نام احمد نام جمله انبیاست چون که صد آمد، نودهم پیش ماست^۱

ج- ویژگی های پیامبران

۱- وحی: کلمه وحی در قرآن کریم برای موارد مختلف به کار رفته و اختصاص به پیامبران ندارد. اما عالی ترین درجه آن که مخصوص پیامبران است، به معنای القای معانی و معارف به قلب پیامبر از سوی خداوند و سخن گفتن خداوند و جبرئیل با اوست. از طریق وحی برنامه هدایت الهی به پیامبران داده می شد و آنان این برنامه را به مردم ابلاغ می کردند.

۲- اعجاز: پیامبران از جانب خداوند، کارهای خارق العاده ای انجام می دهند که هیچ کس نمی تواند مانند آن را انجام دهد.^۲ تا مردم دریابند که آنان با خداوند ارتباط دارند و از طرف او مأمور به پیامبری شده اند.

۱- منتهی مولوی، دفتر اول

۲- فرق معجزه با کارهای خارق العاده مرتاضان و ساحران و تردستان هم همین است که کارهای آنان با تعلیم و تمرین قابل یادگیری است، اما کار پیامبران به گونه ای است که هیچ گاه مغلوب کار دیگری واقع نمی شود و هیچ کس نمی تواند مثل آن انجام دهد.

قرآن کریم این آثار خارق العاده را «آیت» یعنی نشانه و علامت نبوت می خواند و دانشمندان اسلامی آن را معجزه می نامند. زیرا عجز و ناتوانی سایر افراد را در انجام این امور آشکار می سازد.

۳- عصمت: پیامبر زمانی می تواند مسئولیت خود را به درستی انجام دهد که تحت تأثیر هواهای نفسانی قرار نگیرد و مرتکب گناه و خطا نگردد. مردم نیز زمانی گفته ها و هدایت های وی را می پذیرند که مطمئن باشند هیچ گاه مرتکب گناه و اشتباه نمی شود. اگر آنان احتمال دهند که پیامبرشان گناه می کند و دچار خطا می شود، به او اعتماد نمی کنند و از وی پیروی نخواهند کرد. بنابراین، پیامبران نه تنها باید در اجرای مأموریت خود از گناه و اشتباه مصون باشند بلکه این عصمت باید در مجموعه رفتارهای آنان متجلی شود. بالاتر از همه، ضرورت عصمت در حوزه مسئولیت های مربوط به رسالت است. زیرا:

اگر پیامبری در دریافت و ابلاغ وحی معصوم نباشد، دین الهی به درستی به مردم نمی رسد و امکان هدایت از مردم سلب می شود.

اگر پیامبری در مقام تعلیم و تبیین دین معصوم نباشد، امکان انحراف در تعالیم الهی پیدا می شود و اعتماد مردم به دین از دست می رود.

اگر پیامبری در هنگام اجرای فرمان های الهی معصوم نباشد، امکان دارد کارهایی مخالف دستورات الهی انجام دهد و مردم نیز از او سرمشق بگیرند و به گمراهی و انحراف مبتلا شوند. حال، باید ببینیم که مصونیت از گناه در پیامبران به چه صورت است؛ آیا یک مانع بیرونی پیامبران را از ارتکاب گناه و خطا باز می دارد یا خود به اختیار به سمت گناه نمی روند؟

در پاسخ می گوئیم: پیامبران، با وجود مقام و منزلتی که دارند، انسان اند و کارهای خود را با اختیار انجام می دهند و چنان مرتبه ای از ایمان و تقوا را دارند که هیچ گاه به سوی گناه نمی روند. همچنین از چنان بینش عمیقی برخوردارند که گرفتار خطا و اشتباه نمی شوند.

بررسی

اگر پیامبران عصمت نمی داشتند، در مسیر هدایت چه خطرهایی سایر انسان ها

را تهدید می کرد؟

.....

.....

د - آخرین پیام آور الهی

قرآن کریم، حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم را آخرین فرستاده الهی معرفی کرده و فرموده که ایشان «خاتم النبیین» است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نیز در اجتماعات مختلف مسلمانان این موضوع را یادآوری می کرد تا پس از ایشان، کسی ادعای پیامبری نکند.

بنابراین، نبوت پیامبر گرامی اسلام پایان می پذیرد و پس از ایشان کتاب جدیدی از طرف خداوند نازل نمی شود. زیرا عواملی که سبب تجدید نبوت ها و آمدن کتاب های آسمانی جدید بود، از بین رفت و عواملی که انسان ها را بی نیاز از کتاب جدید می نمود، پدید آمد. این عوامل عبارتند از:

۱- آمادگی جامعه بشری برای دریافت برنامه کامل زندگی: گفتیم که یکی از عوامل بعثت پیامبر جدید، پایین بودن سطح درک انسان ها و عدم توانایی آنان در گرفتن برنامه کامل زندگی بود. در عصر نزول قرآن رشد عقلی بشریت به میزانی رسیده بود که بتواند کامل ترین برنامه را دریافت کند و به کمک این برنامه، پاسخ نیازهای فردی و اجتماعی خود را به دست آورد. در واقع، انسان ها وارد دوره بلوغ فکری شده بودند. خداوند کتابی بر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نازل کرد که نیازهای هدایتی بشر را در طول زمان ها پاسخ گوید و مؤمنان با تفکر در این کتاب بتوانند در هر دوره ای به دروازه های جدیدی از معرفت دست یابند.

۲- حفظ قرآن کریم از تحریف: در پرتو عنایت الهی و با اهتمامی که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در جمع آوری و حفظ قرآن داشت و با تلاش و کوشش مسلمانان در دوره های مختلف، این کتاب دچار تحریف نشد و هیچ کلمه ای بر آن افزوده یا از آن کم نگردید. به همین جهت این کتاب نیازی به «تکمیل» و «تصحیح» ندارد و جاودانه باقی خواهد ماند.

۳- وجود امام معصوم پس از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم: تعیین امام معصوم علیه السلام از طرف خداوند سبب آن شد که نقش ها و مسئولیت های پیامبر، به جز دریافت وحی، ادامه یابد و جامعه از این جهت کمبودی نداشته باشد.

۴- پیش بینی راه های پاسخ گویی به نیازهای زمانه: مجموعه معارف و احکام موجود در قرآن، سیره و سنت پیشوایان دین، به گونه ای از جانب خداوند طراحی شده که با مراجعه به آن ها می توان پاسخ به سؤال ها و نیازهای جوامع را در همه دوره ها به دست آورد؛ به شرط آن که از روش علمی و درست تحقیق که به وسیله عالمان و متخصصان دین تدوین شده است، استفاده گردد و با دانش لازم و بصیرت کافی عمل شود. اکنون به برخی از ویژگی های دین اسلام که سبب انطباق آن با نیازهای متغیر زمان می شود، می پردازیم:

اول- توجه به نیازهای متغیر، در عین توجه به نیازهای ثابت: انسان در زندگی فردی

و اجتماعی خود دو دسته نیاز دارد: نیاز ثابت مانند نیاز به امنیت، عدالت، شغل، معاشرت و دادوستد با دیگران، ازدواج و تشکیل خانواده، تعلیم و تربیت و حکومت. این نیازها در همه زمان‌ها برای بشر وجود دارند و از بین نمی‌روند. دین اسلام برای هر کدام از این‌ها قوانین ثابت و مشخصی دارد که پاسخ‌گوی این نیازهاست.

دسته دیگر، نیازهای متغیر هستند که در داخل همین نیازهای ثابت پیدا می‌شوند. یعنی انسان‌ها با گذشت زمان برای پاسخگویی به نیازهای ثابت خود، از روش‌ها و شیوه‌های مختلف و متغیری استفاده می‌کنند. مثلاً نیاز به دادوستد یک نیاز ثابت است. اما شیوه و چگونگی دادوستد بر حسب زمان قابل تغییر است. دادوستد امروز که از طریق اسکناس و بانک و نظایر آن صورت می‌گیرد با دادوستد دیروز تفاوت‌های زیادی پیدا کرده است. نیاز به امنیت هم یک نیاز ثابت است؛ اما چگونگی تأمین امنیت و ابزارها و اسلحه‌هایی که به این منظور به کار گرفته می‌شود در مقایسه با دوره‌های گذشته بسیار متفاوت شده است. معارف اسلام به گونه‌ای است که متخصصان دین می‌توانند از درون آن با توجه به نیازهای جدید به وجود آمده در جامعه، قوانین مورد نیاز جامعه درباره بانکداری، اسکناس، خرید و استفاده از سلاح‌های جدید را استخراج کنند و در اختیار مردم قرار دهند.^۱

دوم — وجود قوانین تنظیم کننده: در اسلام دسته‌ای از قواعد و قوانین وجود دارد که به مقررات اسلامی خاصیت انطباق و تحرک داده است. این قواعد بر همه احکام و مقررات اسلامی تسلط دارند و مانند بازرسان عالی احکام و مقررات را تحت نظر قرار می‌دهند و کنترل می‌کنند. به‌طور مثال، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرموده است: «لَا ضَرَرَ وَ لَا ضِرَارَ فِی الْإِسْلَامِ»^۲ — اسلام با ضرر دیدن و ضرر رساندن مخالف است». این سخن به صورت یک قاعده درآمده و بسیاری از مقررات اسلامی را کنترل می‌کند. مثلاً روزه ماه رمضان بر هر مکلفی واجب است. اما اگر این روزه برای شخصی ضرر داشته باشد، بر او حرام می‌گردد. همچنین، استفاده از امکانات خصوصی مانعی ندارد؛ اما اگر سبب اذیت دیگران شود، حرام است.

۱- امروزه فقیهان و متخصصان دین درباره بسیاری از مسائل و نیازهای جدید که در گذشته مطرح نبوده است درحال تحقیق هستند تا حکم دین را بیان کنند، اموری از قبیل: استفاده از ماهواره و اینترنت، مسائل جدید پزشکی (مانند پیوند اعضا، مرگ مغزی و شبیه‌سازی)، مسافرت در فضا، نظام‌های جدید کشورداری، قوانین تجارت جهانی، رابطه سیاسی با ملت‌ها و کشورها، رابطه با سازمان‌های بین‌المللی اقتصادی و فرهنگی. نتیجه این تحقیقات سبب شده که جمهوری اسلامی ایران بتواند قوانین خود را منطبق بر تعالیم اسلام تنظیم کند و جامعه را در چارچوب آن اداره نماید.

۲- من لا یحضره الفقیه، شیخ صدوق، ج ۳، ص ۱۰۳



قاعده دیگری که در قرآن کریم آمده، این است که فرموده «ما جَعَلَ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ» - خداوند برای شما در دین تنگی، و اضطراب قرار نداده است» براساس این قاعده، اگر مسلمانی با جامعه اسلامی در اجرای یک قانون دچار اضطراب شود، می تواند با نظر فقیه و متخصص دین آن را به شکلی انجام دهد که از اضطراب بیرون آید.

سوم - اختیارات حاکم و نظام اسلامی: یکی دیگر از راههایی که اسلام برای پاسخ گویی به نیازهای جدید پیش بینی کرده، اختیارات حکومت اسلامی است. تحولات و مسائل اجتماعی گاهی شرایط خاصی را در جامعه اسلامی پدید می آورد که نیازمند قوانین و مقررات ویژه آن شرایط است. به طور مثال صنعت بیمه و بانکداری از نیازهای زندگی امروزه است که حاکم اسلامی در چارچوب قوانین اسلام آنها را به اجرا درمی آورد.



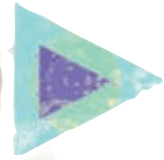
یکی خط است ز اول تا به آخر
بر او خلق جهان کشته مسافر
در این ره انبیا چون ساربان اند
دلیل و رهنمای کاروان اند
وز ایشان سید ما کشته سالار
هم او اول هم او آخر در این کار
بر او ختم آمده پایان این راه
در او نازل شده «أَوْعَا إِلَى اللَّهِ»
شده او پیش و دل با جمله در پی
گرفته دست جان با دامن وی

۱- حج، ۷۸.

۲- یوسف، ۱۰۸.

۳- دیوان گلشن راز، شیخ محمود شبستری





سؤال اول : با آمدن پیامبر جدید، آیا نپذیرفتن او و باقی بودن بر شریعت پیامبر قبل، نزد خدا قبول است؟

برای رسیدن به پاسخ درست، لازم است به نکات زیر توجه کنیم.

۱- از طرف خداوند فقط یک دین و یک راه برای هدایت و خوش بختی آدم‌ها آمده است که از آن به‌عنوان «صراط مستقیم» یا «اسلام» یاد می‌شود. هر یک از پیامبران، این راه واحد را در حد فهم مردم زمان خود به مردم معرفی کرده است. آمدن هر پیامبر، نشانه آن است که بخشی از تعلیمات پیامبر پیش از او، اکنون برای مردم مناسب نیست و نمی‌تواند پاسخ‌گوی نیازهای آن‌ها باشد.

۲- هر پیامبری که می‌آید، به پیامبر بعدی بشارت می‌داد و بر پیروی از او تأکید می‌کرد. بنابراین، وجود دو یا چند دین در یک زمان، نشانه آن است که پیروان پیامبران گذشته و به‌خصوص بزرگان دین آن‌ها به پیامبران بعد ایمان نیاورده‌اند و این خود یک گمراهی بزرگ و سرپیچی از فرمان خدا و پیامبران گذشته است.

۳- ما در زمانی به‌سر می‌بریم که جز قرآن کریم، هیچ کتاب آسمانی دیگری وجود ندارد که از تحریف مصون مانده باشد و ما مطمئن باشیم که تعلیمات آن، همان تعلیماتی است که خداوند فرستاده است. پس این کتاب‌ها نمی‌توانند به نیاز ما که دست‌یابی به راهنمایی خداوند است، پاسخ دهند.

۴- بر مبنای آنچه بیان شد، وجود چند دین الهی معنا ندارد. زیرا این خود سبب سرگردانی مردم می‌شود که میان آن ادیان کدام را انتخاب کنند، درحالی که دین برای رهایی مردم از ضلالت و سرگردانی آمده است. به همین جهت، قرآن کریم به روشنی می‌فرماید :

وَمَنْ يَبْتَغِ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا

و هر کس دینی غیر از اسلام برگزیند،

فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ

از او پذیرفته نیست

وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ

و او در آخرت از زیان‌کاران است.

آل عمران، ۸۵

سؤال دوم : کتاب‌های آسمانی دیگر چه سرنوشتی پیدا کردند؟

برای این‌که با سرنوشت دیگر کتاب‌های آسمانی آشنا شویم، وضعیت نزدیک‌ترین آن‌ها به قرآن کریم

– یعنی انجیل – را که بر حضرت عیسی علیه السلام نازل شده است، بررسی می‌کنیم. کتاب انجیلی که اکنون در دست مسیحیان است، خود از چهار انجیل به نام‌های انجیل متی، انجیل مرقس، انجیل لوقا و انجیل یوحنا تشکیل شده است. این انجیل‌ها به نام نویسندگانشان که از یاران و پیروان حضرت عیسی علیه السلام بوده‌اند، مشهورند. مورخان نوشته‌اند که پس از عروج حضرت عیسی علیه السلام به ملکوت، هیچ اثری از کتاب انجیل در میان مردم نبود. پس از گذشت مدتی، هر یک از یاران حضرت عیسی علیه السلام یا شاگردان ایشان، برداشت‌ها، خاطرات و الهامات خود را نوشتند و نام انجیل بر آن نهادند؛ به گونه‌ای که ده‌ها انجیل تألیف شد. سال‌ها در میان مردم انجیل‌های مختلفی وجود داشت تا این که حدود دو قرن بعد، شورای مرکزی مسیحیان چهار انجیل ذکر شده را – علی‌رغم اختلاف – انجیل راستین و انجیل‌های دیگر را انجیل‌های مجعول و دروغین نامید. در حالی که انجیل حضرت عیسی علیه السلام بیش از یکی نبود!



- ۱- آیات ۱۲۷ تا ۱۳۷ سوره بقره را مطالعه کنید و نکاتی را که نشان‌دهنده یکی بودن دین خداست، استخراج کنید.
- ۲- آیه ۶ سوره حمد و ۱۰۱ سوره آل عمران را با هم مقایسه کنید و برداشت خود را از این مقایسه توضیح دهید.

۱- به مقدمه مفصل آقای جمشید غلامی نهاد بر کتاب «انجیل برنابا» (نشر نیایش: ۱۳۷۹) مراجعه کنید.